

پشت جبهه

سلطنت گروگان

—دوازدهم—

مشکل بزرگ، ارتش

امیرفیض- حقوقدان

درتحریر قسمت قبل آمده بود:

ارتشیان درخارج ازکشور مشکل بزرگ دیگری هم داشتند، که بغیر دنباله روی از امیران ارتش، مقدم بر همه آنها ارتشبد جم، مانع فعالیت آنها در راستای مخالفت عملی با جمهوری اسلامی میگردید، و شرح درباره آن مشکل بزرگ به این تحریر محول گردید و اکنون ادای دین.

ارتشیان مشکل بزرگ

دردرک این واقعیت، غفلتی نیست که برای شورشیان و نیز دولت آمریکا مشخص و مسلم بود که بزرگترین مانع در راه حصول پیروزی شورشیان ارتش و ارتشیان هستند. کارشناسان اجتماعی مسائل ایران میدانستند که ارتش بالقوه نیروی است، و ارتشیان هم بالقوه نیروی دیگری هستند که گرچه از نظر قانونی و سلسله مراتب نظامی بهم ارتباط ناگسستگی دارند ولی بهرحال ارتشیان هریک دارای احساسات ملی و غرورنظامی و ایرانی گری خاصی میباشند، که نمیتوان به اعتبارخروج ارتش از موقعیت صدری و فرماندهی خود سقوط آن احساسات ملی و غرور نظامی را حتمی دانست. کودتاهائی که معمولاً از جانب برخی از فرماندهان ارتش کشورهامیشود نمونه ای از احساس تکلیف و غرور ملی ارتشیان است. پایگاه های جنگهای نامنظم پارتیزانی که معمولاً بعد از شکست ارتش و کشور از جانب فرماندهان کوچک ارتشیان درکشورها آغاز میگردد حاصل همان احساسات ملی و غرورنظامیگری است.

توضیحی درباره طرح برژینسکی

این تحریر نیاز دارد که رجوعی کلی به طرح برژینسکی داشته باشد؛ زیرا این تحریر، از تبعات طرح برژینسکی است و با حافظه نزدیک به طرح، هم تحریر روان تر حرکت میکند و هم رسوب قبول آن مطمئن تر است.

مختصرو فشرده طرح مزبور که مفصل آن درتحریرات مربوطه آمده است که:

اول اینکه از فرماندهان ارتش بخواهیم تا با مهدی بازرگان نخست وزیرمنتخب خمینی کنار بیایند (که آمدند*).

دوم اینکه از ارتش بخواهیم در جریان انتقال قدرت خود را کنارکشیده و در پادگان های خود بحال آماده باش بمانند (که دقیقا آنچه که در طرح بیطرفی ارتش بکاررفت و ارتش به پادگان های خود بازگشت؛ خواست آمریکا بوده است).

آقای برژینسکی اضافه کرده >اگر دولت جدید بازرگان عاقل باشد فرماندهان ارتش را یکجا تصفیه نمیکند بلکه آنها را یکی، یکی سربسته نیست میکند؛ اول بدره ای و بعد ربیعی و بعد نوبت دیگران).

(اسناد سفارت آمریکا)

حاشیه = حد دخالت آمریکا را در شورش ۵۷ ملاحظه میکنید؟

❖ سند یادشده؛ نشان میدهد که طرح بیطرفی ارتش خواست آمریکا و در ارتباط با بند اول طرح برژینسکی بوده است (به حد دخالت آمریکا در شورش ۵۷ دقیق شوید).

❖ برژینسکی طرح کشتار افسران و فرماندهان ارتش را طرح عقلانی نامیده است، و اگر بازرگان از اجرای آن خودداری میکرد دیوانه و غیرقابل حمایت معرفی میشد. در هیچ سندی در دنیا این چنین روشن دستور ترور و کشتار فرماندهان یک کشور از سوی سیاستمداران کشور دیگری داده نشده است الا همین تصمیم و توصیه و حمایت دولت آمریکا بوسیله برژینسکی مشاور ملی دولت آمریکای کارتر.

❖ فراموش نکنید که این نامردی های آمریکا و دخالت در امور کشور ما آنهم به نفع شورشیان در حالی بوده است که بین آمریکا و دولت شاهنشاهی ایران قرارداد مودت و همکاری وجود داشته است. (پایان حاشیه).^۱

عدم شمول طرح برژینسکی به افسران و درجه داران ارتش

چنانکه در طرح برژینسکی ملاحظه دارید، طرح از بین بردن و سربسته نیست کردن افسران محدود و شمول آن به فرماندهان ارشد ارتش است که در ردیف بدره ای و ربیعی و امثال آنها بوده اند و در عبارت کلی تر شمول آن ناظر به همه کسانی میشده که طرح بیطرفی ارتش را که همان بند دوم طرح برژینسکی است امضا کرده اند؛ و طرح شمولی بر افسران پائین تر از فرماندهان درجه اول ارتش شامل سرهنگها و سرتیپ

۱- کپی خلاصه شده ای بصورت دستور وزارت دربار شاهنشاهی به صورت بکلی سری به برخی سفارتخانه های شاهنشاهی فرستاده شده بود تا سفیران شاهنشاه آریامهر، در موقع مقتضی و هرگونه تجاوز و خطر به کشور ایران با استفاده از مفاد آن قرارداد مودت و همکاری، از آمریکا درخواست کمک بشود. شوربختانه در روز های هیجان و تب دار شورش، برخی سفیران در سفارتخانه هایی مانند پاریس، لندن، آلمان و واشنگتن و مسکو یا از وجود این چنین سند مهمی بی خبر بوده اند یا کسانی مانند پرویز ناجی در سفارت لندن یا امیرشیلانی در سفارت پاریس از ترس یا از بابت همکاری با طرح گوادلوپ و طرح برژینسکی از بکار گیری این سند ها خودداری کرده اند.. ح-ک

ها و سرلشگرها و حتی درجات پائین ارتش نداشت؛ و این مشکلی بود برای شورشیان که بهر صورت میتوانست کانون مقاومتی برای سرکوبی شورشیان بوجود آورد.

پادگان های ارتش در شهرستان ها در کنار عشایر و افراد محلی بسیار قدرتمند بودند، و اگر با یک برنامه تدوین شده مورد حمایت آمریکا آنها قلع و قمع و پراکنده نمیشدند احتمال برخاستن آنها علیرغم نبودن پادشاه کم نبود.

این تحریر نمیخواهد وارد این موضوع شود که تنها عدم دخالت آمریکا بمنظور ممانعت از اقدامات علیه جمهوری اسلامی کافی برای کندن بنیاد شورشیان بود ولی میخواهد به این نکته بدون اشاره رد نشود که با حمایتی که آمریکا از شورشیان ۵۷ در کنار مخالفتی که پادشاه و نظام ایران شاهنشاهی داشت اگر تمام ارتش شاهنشاهی و نیروهای مسلح در کنار مردم علیه شورشیان برمیخواستند، شکست نیروهای ملی و پیروزی شورشیان حتمی بود؛ زیرا شورش ۵۷ قیام روس، آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان علیه شاه ایران و دستاورد های نفتی آن بود؛ نه قیام مردم ویا ملاها علیه شاه و نظام شاهنشاهی ایران.

طرح سالیوان و بازرگان

سالیوان سفیر آمریکا در جریان شورش ۵۷ از جریانی در کتابش (ماموریت برای ایران) صحبت کرده که پیگیری تحقیقی آن نشان میدهد که جریانی مزبور برای رفع خطر و نگرانی از اقدامات افراد نیروهای مسلح در درجات پائین و قطع امکان استفاده آنان از موقعیت محلی و ذخائر نظامی و احساسات و غرور سربازی بود که سخت مورد نگرانی شورشیان قرار داشت.

سالیوان در کتابش از طرح و جریانی مزبور چنین صحبت کرده است:

❖ در تعقیب تحقیقات، ما لیست اسامی متجاوزان ۱۰۰ افسر ارشد را تهیه کردیم که می بایست پس از خروج شاه از کشور از پست های خود استعفا داده و از ایران خارج شوند (حد مداخله آمریکا در جریانی شورش ۵۷ فراموش نشود- متشکرم).

از طرف گروه های مخالف بما گفته شد که بهیچوجه قصد بازداشت ویا عملیات انتقامجویانه در مورد این افسران در میان نیست، حتی گفته شد که اگر این افسران بدون مقاومت و سروصدا از ایران خارج شوند میتوانند اموال و ثروت خود را هم با خود ببرند با وجود اینکه بما گفته نشد که بجای این افسران که همه دارای مشاغل مهم و حساسی بوده اند چه کسانی به کارگمارده خواهند شد ولی چنین بنظر میرسد که یک لیست از افسران جانشین هم تهیه شده و در دست نهضت بازرگان است.^۲

(ماموریت در ایران ۱۵۶)

۲- دسترسی و آگاهی از چنین لیست هایی امکانپذیر نمیبود مگر کسانی بصورت ستون پنجم در درون ارتش از سالها پیش گمارده شده باشند. این مورد از زمان نفوذ دادن حزب توده به درون ارتش، و آموزش هایی که برخی افسران در کشور های دیگر مانند، انگلستان، آمریکا؛ و آن سالهای آخر اسراییل دریافت میکردند امکانپذیر و آسان بود. ح-ک

توضیح در تعقیب تحقیقات

عبارت <در تعقیب تحقیقات> در کتاب سالیوان لازم میسازد تا معلوم شود آن تحقیقات در چه زمینه و موضوعی بوده است.

سالیوان توضیح داده است:

>ضمن تماس هائی که با افسران ارشد صورت گرفت، معلوم شد که تعداد قابل ملاحظه ای از افسران ارشد که بعضی از آنها پست های حساسی هم دارند، نه فقط با برنامه های مخالفان همراه و موافقت بلکه بین آنها تماس هائی هم برقرار گردیده است، و نهضت آزادی که بیش از همه گروه ها با افسران ارشد ارتباط دارد از این طریق از برنامه های ارتش و تصمیمات نظامی مطلع میگردد.<

(سالیوان صفحه ۱۵۶)

دستآورد سند مزبور

❖ لیست افسرانی که باید استعفا داده و از کشور خارج شوند بوسیله سفیر آمریکا تهیه شده است؛ کاری که فقط در تخصص مستشاران آمریکائی و در نهایت سفارت آمریکا در تهران بوده است (حد بیشرمانه مداخله آمریکا در شورش ۵۷ در کنار قرارداد مودت و دوستی بین ایران و آمریکا و همکاری های نظامی بین ایران و آمریکا بسیار قابل اهمیت است). آمریکا اسرار نظامی ایران مشتمل بر شخصیت های نظامی که ممکن بود برای شورشیان ایجاد مزاحمت هائی بنماید را با اشرافی که بر ارتش بوسیله مستشاران نظامی خود در ایران داشت در راه شورشیان قرارداد- واقعا نام این عمل چیست و حاصل آن این میشود که آمریکا در امور ایران و بنفع شورشیان ۵۷ وارد عمل نشود؟؟^۳

❖ نفوذ مستشاران آمریکائی در ارتش که کارتر از آن حد افراط یاد کرده و نوشته است که افسران ایرانی و آمریکائی همدیگر را با اسم کوچک خطاب قرار میدادند، سبب گردید افسران ارتش تحت هدایت مستشاران پیشاپیش از نهضت آزادی استقبال کنند.

❖ اسناد شورش ۵۷ و شهادت های ضمیمه آن نشان میدهد که طرح کشتار افسران وفادار به شاه و در مجموع افراد نیروهای مسلح بوسیله رمزی کلارک وزیر پیشین دادگستری آمریکا با سابقه دادستان کل آن کشور و مشاور کارتر به بازرگان ابلاغ و اجرا شده است به این سند توجه فرمائید.

سند مهمی که اکنون به ملاحظه خوانندگان این تحریر میرسد از اظهارات آقای رمزی کلارک به کیهان لندن است:

<رمزی کلارک وزیر پیشین دادگستری آمریکا و مشاور قضائی کارتر که یکی از چهره های مخالف رژیم سابق ایران شناخته شده است دو هفته پیش یک بار دیگرسر از لاک خود بیرون آورد و به حمایت از

جمهوری اسلامی برخاست، وی دریک مصاحبه تلویزیونی شدیداً به مردم ایران ورژیم سابق حمله کرد و بار دیگر انقلاب اسلامی را با تاکید به اینکه این انقلاب مورد تائید دولت وقت آمریکا بوده است حمایت کرد.

وقتی از رمزی کلارک پرسیده شد که آیا حکومت ورژیمی که شما از آن حمایت میکردید همین حکومتی است که هزاران نفر را اعدام کرده است رمزی کلارک پاسخ داد:

قرار ما با بازرگان این نبود. آنها قرار بود که فقط ۲۰۰ نفر را اعدام کنند، من نمیدانم چه چیزی باعث شد که آنها به وعده وقول خود عمل نکردند.

(کیهان لندن شماره ۳۴ دوم اسفند سال ۱۳۶۳)

دستآورد سند فوق

❖ اول اینکه رمزی کلارک که یک شخصیت سیاسی وقضائی مهم آمریکاست ودر زمان شورش ۵۷ هم مشاورقضائی کارتر بوده است تصدیق کرده که شورش ۵۷ مورد تائید وحمايت دولت وقت آمریکا بوده است.

❖ دوم اینکه لااقل جوازکشتار ۲۰۰ تن از آنچه که جمهوری اسلامی ودولت بازرگان اعدام کرده است بوسیله رمزی کلارک با موافقت بازرگان صادر شده بوده است.

❖ این سند نشان میدهد که نقش آمریکا در شورش ۵۷ ایران تنها حمایت نبوده بلکه معاونت در کلیه جنایات و اعدام ها بوده است. نه، ۲۰۰ تن مورد توافق؛ زیرا اجازه انجام کارخلاف قانون قابل کنترل نیست، و مسنول واقعی آن جنایات، کسی است که چنین اجازه ای را داده است آنهم آمریکا که مدعی پرچمداری حقوق بشر است.

افراد نیروهای مسلح وحو زمان

ملاحظه برخی از عوامل آن زمان که از مصالح اصلی آشنائی با موقعیت افراد نیروهای مسلح در آن زمان است میتواند شامل موارد زیر باشد:

۱- شاه کشور را ترک کرده - فرماندهان ارتش اعلام بیطرفی کرده اند- افسران در تماس کاری و اداری با مستشاران توصیه همکاری افسران را با شورشیان میکنند - در تهران وشهرستان ها بخصوص مشهد افراد نیروهای مسلح وسازمان امنیت را شورشیان قطعه قطعه کرده اند.

۲- دولت بازرگان در پی اقدام بختیار تمام تشکیلات ارتش وامنیت کشور را منحل ساخته - خبر اعدام وکشتار افسران و افراد نیروهای مسلح مرتباً بوسیله شورشیان مرتباً درجرا ند منتشر میشود، هیچ افسر ودرجه داری احساس امنیت نمیکند. دولت آمریکا بوسیله رمزی کلارک جواز اعدام لااقل ۲۰۰ تن از طرفداران قانون اساسی وسלטنت مشروطه را صادر کرده است.

۳- در این حالت پریشانی ناب، که همه افراد نیروهای مسلح کشور در فکر فرار از این ورطه هولناک هستند آمریکا طرح خروج مطمئن از ایران را مطرح میکند با هم به طرح مزبور نگاه میکنیم:

طرق خروج مطمئن از ایران

❖ نظر پژوهشی سفیر آمریکا این بود که گروهی از افسران ارتش که متجاوز از ۱۰۰ تن بودند با حفظ اموال و دارائی هایشان از ایران خارج شوند؛ (حد اکثر آن افراد معلوم نشده بنابراین تعداد، نامحدود بوده) خوب به چه کیفیت، و چه جوری به کدام کشور بروند و چگونه ممکن است یک افسری که درشورش ۵۷ ازشورش کنار کشیده بتواند براحته از کشور خارج شود و مسائل تابعه اگرچه روشن نیست ولی یک اشاره ای وجود دارد که تحقیق، به آن رسیده و عینا به عنوان مستند و نتیجه گیری از آن استفاده میشود.

سند مزبور = دلالت بر وجود راه های مطمئن برای فرار از ایران

در جلد ۲۳ اسناد سفارت، سندی است بتاريخ هشتم شهریورماه ۱۳۵۸ برابر ۳۰ اوت ۷۹ گزارشی از سفارت آمریکا به وزارت خارجه آن کشور که موضوع آن دستگیری هدایت الله متین دفتری است؛ که آذری قمی دادستان و همچنین خلخالی حکم اعدام او را صادر و در تعقیب او بوده اند، سند مزبور در ۷ بند گزارش توضیحی همان موضوع متین دفتری، و اقداماتی است که احتمالا بتواند حکم اعدام او را منتفی سازد.

در بند هفتم آن سند آمده است.

> اظهار نظر ما (سفارت آمریکا در تهران) ما تصور میکنیم که متین دفتری میتواند اگر بخواهد از یکی از طرقی که بخوبی تثبیت شده ایران را ترک گوید؛ اما ممکن است بخواهد به امید کاهش یافتن خشم، نسبت به وی در مخالفت با تعطیل مطبوعات باقی بماند.

دست آورد سند مزبور

I. سند مزبور نشان میدهد که آمریکا از همان روزهای شورش ۵۷ کانال مطمئن و تثبیت شده ای برای خارج ساختن ایرانیان مورد نظرش را داشته است، عبارت > از یکی از طرقی که بخوبی تثبیت شده < نشان میدهد که طریق مزبور یکی هم نبوده و متعدد بوده است.

II. با آنکه در اسناد سفارت آمریکا بغیر از همین اشاره کوتاه به وجود کانالهای مطمئن برای خروج از کشور چیز دیگری ندیده ام (ندیدن بنده دلیل نبودن هم نیست) ولی معهذاً در برخی اشارات و اقدامات دیده میشود که استفاده از کانالهای متعدد در اختیار آمریکا؛ منوط به اجازه و تنفیذ گروه های سیاسی خارج از کشور محول شده است، دائره تحقیق نشان میدهد تا زمانی، هر کس که میخواست از ایران فرار کند و از طریق مطمئن آمریکا استفاده کند، معرف او باید شخص خویشی ها، همان آخوند رئیس گروگان گیران سفارت آمریکا در تهران باشد، تمام کسانی که از جنبش

سبز و گروه اصلاح طلبان به خارج از کشور فرار کرده اند از همان طریق و کانال مطمئن آمریکا بوده است.

یک بخشی از کانالهای فرار در اختیار داریوش همایون قرار داشت و امید دانا و بردیا قلابی از آن طریق مطمئن به خارج از کشور آمده اند.

خروج افسران ارتش از کشور

جو زمان و ملاحظات عینی افراد نیروهای مسلح نشان داد که باید از موقعیتی که آمریکا در اختیار دارد برای ترک ایران استفاده کنند، و کردند برخی از آنها آنطور که شهادت هائی در میان است حتی وسائل آشپزخانه خود را هم از طریق همین جواز دولت آمریکا از ایران خارج ساختند مانند تیمسار هوئی آذربرزین.

افراد نیروهای مسلح و حتی افراد عادی که از طریق حمایت آمریکا از ایران خارج شدند یکسره اجازه اقامت در آمریکا و یا کشورهای اقمار آمریکا را گرفتند و حتی از مزایایی هم برای امرار معاش برخوردار گردیدند و بالاخره مسلط به زندگی در خارج از کشور شدند.

بنده تصور نمیکنم افرادی که از طریق کمک آمریکا از ایران خارج شده اند و بدون دردسریه مزایای مالی هم رسیده اند تعهدی به آمریکا نداده باشند هر چند همان اجازه اقامت متضمن تعهد حفظ منافع آمریکا هم هست.^۴

آنها از باب تعهد هم نباشد معمولاً رغبتی به خیانت به ولینعمت خودشان یعنی آمریکا که به آنها کمک در فرار از ایران و اقامت در آمریکا کرده ندارند؛ و لامحاله خود را درگیر در مسائلی که سیاست آمریکا آنرا تائید نمیکند نمی سازند که مهمترین آن موارد همان تبعیت از تحریم سیاسی اعلیحضرت است که بصورت بی رغبتی در حمایت از اعلام سلطنت اعلیحضرت کاملاً خودش را نشان داد.

۴- برخی در جاهای گوناگون از جمله بخشی از نزدیکی های سانفرانسیسکو تعهد آموزش زبان پارسی به افسران امنیتی و افسران و کادرهای وزارت امور خارجه و پنتاگون سپرده اند و با استفاده از رفاه و مزدهای مناسب آمریکایی زندگی میکنند و آموزش زبان و رفتارهای ایرانی به سربازان و ماموران امنیتی را بعهده دارند. چراغ به دست دزد میدهند تا برای بردن کالای گزیده تر بیاید. ح-ک